

همبستگی سرمایه اجتماعی، کارآمدی نهادی و توسعه ملی

* سیدعطاءالله سینایی

** مسعود شفیعی

* استادیار دانشگاه پیام نور

** استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۲

چکیده

فرایند پیوسته توسعه مهمترین ذهن مشغولی جوامع بشری و تعیین کننده میزان تفاوت کشورهاست. بنابر این پرسش مهمی که در دنیای کنونی رد و بدل می شود این است که چرا و چگونه برخی کشورها به سطح بالاتری از شاخص های توسعه دست یافته اند و برخی دیگر در پایین جدول قرار دارند؟ از این زاویه کاویدن عوامل و ابعاد توسعه و طرح پرسش ها و فرضیات در این خصوص روش رایجی برای کشف و گشایش مسیرهای توسعه جوامع است.

هدف این پژوهش، بررسی ارتباط میان سطح سرمایه اجتماعی با کارآمدی نهادی و توسعه ملی است. این پژوهش، مطالعه ای از نوع همبستگی است که به بررسی میزان تغییرات مثبت در توسعه بر اساس میزان تغییرات مثبت در افزایش سرمایه اجتماعی و کارآمدی نهادی می پردازد. چارچوب نظری این پژوهش، تلفیقی از تئوریهای سرمایه اجتماعی، نهادگرایی و توسعه است و فرضیه اصلی این است که رابطه همبستگی مثبتی میان سه متغیر سرمایه اجتماعی، کارآمدی نهادی و توسعه ملی وجود دارد. این پژوهش از نظر هدف بنیادی و از نظر روش کتابخانه ای، اسنادی و اکتشافی است. یافته های پژوهش نشان می دهد که سرمایه اجتماعی و نهادی نقشی تعیین کننده در فرایند توسعه دارد. این پژوهش همبستگی مثبت و هم افزای سرمایه اجتماعی، کارآمدی نهادی و توسعه را تأیید می کند.

واژه های کلیدی: سرمایه اجتماعی، کارآمدی نهادی، توسعه ملی، همبستگی، هم افزایی

مقدمه

دولت ها نیز می شود؛ و در سطوح بین المللی، دولت ها عموماً پشت این مناسبات قرار دارند. به نسبت سطح توسعه یافتگی جوامع، این وضعیت پر رنگ تر و پر فشار تر رخ می دهد؛ و بطور بی وقفه ای این مسأله مطرح است که چگونه مبادلات تسهیل و بدون دردسر گردد؟ و چگونه می توان توفیق و شکست آنها را توضیح داد؟ فرض این است اعتماد کافی و یا ناتوانی در ایجاد اعتماد، برای اطمینان بخشی، موجب رشد این مناسبات و یا عدم رشد آن می شود. (گروینوگن^۱، ۱۳۹۱) اعتماد، به عنوان بستر اصلی برقراری ارتباط در چارچوب سرمایه اجتماعی، صورتبندی و سپس در چارچوب نهادهای کارآمد سازماندهی می شود و امکانات و اطمینان لازم را برای تحقق سطحی از توسعه را مهیا می کند. در ابتدا در روابط این سه عامل وضعیتی رخ می دهد که در آن افراد یک جامعه در اثر دوره طولانی در

مردمان در گوشه و کنار جهان، به صورت بی وقفه ای درگیر تبادل اقلام گوناگونی از کالاها، خدمات، اطلاعات، سرمایه گذاری مادی و غیر مادی و دیگر تبادلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و یا فرهنگی هستند. گسترش حمل و نقل و انقلاب در فناوری های ارتباطی، شبکه های بازار و بنگاه ها را به شکل جهشی توسعه داد و دلایل و روش های بی شماری برای مبادله فراهم شده است. این روش ها از دکان های کوچک و بانک های محلی تا هایپر مارکت ها^۱ و مراکز غول آسای فروش و بانکداری الکترونیک برای مصرف کنندگان، از طرح های سرمایه گذاری تا بورس های بین المللی سهام؛ و از عرضه کنندگان محلی تا مزایده های هنگفت برای تجارت را در بر می گیرد. ممکن است مبادلات میان اشخاص و سازمان ها انجام گیرد؛ ولی اغلب شامل

² John Groenewegen

¹ Hypermarket

مرحله از این فرایند، در یک فضای تعاملی هم افزا، نتیجه‌ی که از مرحله دوم رخ می‌دهد همزمان مرحله اول را به صورت پیوسته تقویت و یا تضعیف می‌کند. قاعدتا عقلانیتی که در سطح سرمایه متناسبی از سرمایه اجتماعی به فرد اطمینان می‌دهد وارد مبادله در یک محیط نهادی غیر رسمی، یعنی اتمسفری از مناسبات ارزشی و هنجاری به عنوان نهادهای غیر رسمی، به ذینفعان، به عنوان کنشگران این تذکر می‌دهد که بی‌درنگ و بطور پیوسته در چارچوب قواعد مفروض‌های پیشینه‌سازی سود، دستاورهای خود را هزینه-فایده‌کنند؛ بنابر این در صورت کارایی مناسب نهادی و متناسب بودن هزینه مبادله، سطح سرمایه اجتماعی؛ یعنی اعتماد و مشارکت افزایش می‌یابد و بازی وارد مرحله بعدی می‌شود و خود این روند یعنی توسعه ملی. در چارچوب همین نظام ارزیابی، اگر ذینفعان متوجه شوند که هزینه مبادله متناسب نیست، دچار عدم اطمینان برای گام‌های بعدی می‌شوند، عقب‌نشینی می‌کنند، و بنابر این سطح مشارکت کاهش پیدا می‌کند.

کنار هم تجربه تاریخی و در رنج‌ها و شادی‌های مشارکت داشته‌اند؛ به توافق جمعی در یک مجموعه از نظام‌های ارزشی، هنجارها، عادات و سنت‌ها، به عنوان نهادهای غیر رسمی می‌رسند و روابط خود را در درون آن قرار می‌دهند و به هم دیگر اطمینان می‌کنند و در چارچوب آن سطحی از مبادلات را با هم تجربه کرده‌اند. این سطح از سرمایه اجتماعی، سطح متناسب خود از مبادله را در مقیاس‌های محلی بسترسازی و پشتیبانی می‌کند. قاعدتا اگر قرار است که سطح مبادلات، از حیث حجم، زمان و مکان و دیگر مختصات گسترش یابد، در آن صورت ساختار نهادی متناسب آن نیز فراهم شود. کارآمد سازی نهادی یک امر پیوسته فرایندی است؛ بدین معنا که، توافق جمعی، با توجه به چشم‌اندازی که در اثر تحلیل ظرفیت‌های توسعه برای خود ترسیم می‌کند، خیزی بر می‌دارد، حرکتی می‌کند که پیش‌برود. در این صورت متوجه تدارک سازوکار نهادی کارآمد، به مثابه ابزار و مرکب رساندن این تقاضا به نتیجه مطلوب می‌شود. در واقع یک وضعیت ساختاریابی رخ می‌دهد. یکی از فرضیات این مقاله این است که، در هر



شکل ۱- فرایند توسعه

گرچه این مفهوم برای تحلیل چرایی و چگونگی تحولات جوامع اروپایی، از سده نوزدهم میلادی وارد ادبیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جهانی شد، ولی پس از جنگ جهانی دوم، مباحث توسعه گستردگی و عمق بیشتری یافت و نظریات متعددی در این حوزه ارائه شد. در ابتدا مفهوم توسعه معادل رشد اقتصادی بود، که با شاخص هایی چون تولید ناخالص و سرانه ملی ارزیابی می شد. از این نظر، تراکم سرمایه به مثابه مهم ترین وسیله رشد اقتصادی، در کنار دیگر عوامل مانند نیروی انسانی و منابع طبیعی قرار می گیرد. (دادلی سیرز^۲، ۱۳۶۸) برخی مدل های نظری دیگر چون نظریه های سیستمی، که توسعه را عبارت از حرکت یک سیستم یکدست اجتماعی به سمت جلو می دانند، نیز به زوایای دیگری از توسعه پرداختند. (میردال^۳، ۱۳۶۶) ایده تاسیس نهادهای جدید برنامه و بودجه ای محصول چنین نگرشی است.

نظریه مارکسیستی توسعه نیز الگویی مطرح و جهانشمول در همین زمان به حساب می آمد. اما هنگامی که نظریه نوسازی و برابر گرفتن توسعه و رشد از حل مشکلات کشورهای جهان سوم ناکام ماند نظریه وابستگی والرشتاین و مکتب اِکلا این بار از سوی صاحب نظران جهان سومی طرح و توسعه یافت در همین زمان کسان دیگری نیز کوشیدند بر برخی عوامل دیگر انگشت تاکید بگذارند. کسانی مانند مولر هریسون و جان وینزی که هریک بر وجهی از عناصر اجتماعی و فرهنگی انگشت تاکید نهادند و تام باتامور که قایل به تاثیر نخبگان در رشد و توسعه بود (ازکیا، ۱۳۷۷) و یا «بروکفلید» که در تعریف توسعه می گوید: توسعه را باید برحسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری تعریف کنیم. (ازکیا؛ ۱۳۶۷)

با گذشت زمان، مفاهیمی چون توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی، توسعه سیاسی و از جمله توسعه اجتماعی وارد ادبیات توسعه شدند؛ و ضرورت بررسی ابعاد اجتماعی توسعه و توجه به کنشگران متعدد دولتی و غیردولتی آن، مانند سازمان های مردم نهاد، جامعه مدنی، ساختارهای و سنت های اجتماعی، بنگاه ها و حتی افراد و خانوارها از موضوعات

این پژوهش در پی تحلیل چنین شرایطی است و پرسش های زیر را تعقیب می کند این اعتماد و اطمینانی که دینفع کنشگر را به سوی ورود به فرایند مبادله می کند، از کجا و چگونه پدیدار می شود؟ سرمایه اجتماعی ساخته و پرداخته کدام شرایط است؟ نهادها چیستند؟ چگونه پدید می آیند و چگونه کار می کنند؟ کارآمدی و ناکارآمدی نهادی چیست؟ توسعه چیست و چگونه پدید می آید؟ رابطه این سه گانه سطح سرمایه اجتماعی، کارآمدی نهادی و توسعه ملی، با کدام مدل ها قابل نمایش است؟

ارائه تبیین قانع کننده ای از تفاوت شگرف عملکرد نظام های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و وجود اقتصادهای ناهمسان و تراز های بسیار متفاوت شاخص های عملکردی توسعه جوامع موضوع کوشش های وسیع علمی در دهه های اخیر دانشمندان بوده است، بنابر این فهم صحیح این رابطه، در یک نظام تحلیلی روشمند به تبیین صحیح دلایل توسعه و یا توسعه نیافتگی جوامع یاری می دهد و نیز سیاستگذاران را یاری می دهد که از طریق کنترل و دستکاری این عامل ها به تقویت شتاب متناسب توسعه کمک نمایند.

مبانی نظری

مفهوم توسعه در دوره معاصر و بویژه در دهه های پس از جنگ جهانی دوم رواج بسیاری یافته است. این مفهوم از بدو پیدایش و گسترش، همواره از بحث برانگیزترین مباحث بوده است در فرایند شکل گیری و ترویج خود فراز و نشیب های فراوان داشته است و بارها شکل و قالب آن به فراخور اوضاع تغییر نموده و تعاریف گوناگونی یافته است. مایکل تودارو، توسعه را جریانی چند بُعدی می داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن شدن فقر مطلق است. (تودارو^۱، ۱۳۷۷) «میلتون فریدمن» نیز معتقد است توسعه یک روند خلاق و نوآوری در جهت ایجاد تغییرات زیربنایی در سیستم اجتماعی می باشد. (قره باغیان، ۱۳۷۰)

² Dudley Seers

³ Gunnar Myrdal

¹ Michael Paul Todaro

مهم اکثر کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفت.

اقتصاد، خاستگاه نظریه پردازی توسعه است. افزایش در آمد ملی، تغییرات ساختاری و صنعتی شدن تولید، از نقاط اصلی تأکید این نظریه پردازی‌ها است. با گذشت زمان و آشکار تر شدن چالش‌های نظری موضوع توسعه انسانی و ملاحظات اجتماعی و سیاسی وارد نظریه پردازی توسعه شد؛ و بنابر این طرح شاخص‌های ترکیبی توسعه، برای سنجش میزان پیشرفت جوامع مطرح شدند که در برابر شاخص‌های انفرادی شاخص‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را توأمأ مورد بررسی قرار می‌داد. شاخص توسعه انسانی از ترکیب سه شاخص ساخته شده است: ۱) تولید واقعی ناخالص سرانه داخلی، یعنی تولید ناخالص داخلی تبدیل شده به نرخ‌های ارز برابری قدرت خرید؛ ۲) امید به زندگی در بدو تولد؛ ۳) موفقیت آموزشی، که خود تابعی از سواد بزرگسالان و میانگین سالهای تحصیلی آموزشی است. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶)

تجارب متنوع توسعه موضوع نقش دولت‌های توسعه‌گرا در بهبود شاخص‌های توسعه سیاسی و همچنین جنبه‌های اجتماعی توسعه، نظیر اشتغال، درآمد و توزیع عادلانه آن، تنظیم خانواده و جمعیت، آموزش بهداشت و سرانه آن، بیشتر مورد توجه قرار داد. با توجه به محوریت دولت‌ها، محور نظریات توسعه تا همین اواخر دولتهای نوساز و توسعه‌گرا بوده‌اند؛ و نگاهی به برنامه‌های توسعه در ایران در بیش از نیم قرن گذشته نیز موید نقش دولت در این زمینه است. در رویکرد توسعه محور، اراده سیاسی، موتور توسعه به حساب می‌آید. اراده سیاسی، از نظر مایکل تودار، تصمیمات قاطعانه، آگاهانه، هدفدار و انتخاب‌های مشخص مقامات سیاسی در زمینه‌هایی نظیر از بین بردن نابرابری، فقر و بیکاری از طریق انجام اصلاحات در ساخت‌های اجتماعی، اقتصادی و نهادی کشور است. (تودارو، ۱۳۶۶)

تجارب ناموفق سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در فرایند نوسازی و یافتن علت‌های آن، ذهن صاحب‌نظران و مدیران توسعه را به مقوله فرهنگ و جامعه معطوف کرد در حالیکه کسانی معتقدند جوامع غربی توجه به ارزش‌های اخلاقی را در راه دستیابی به توسعه همراه با عدالت دست کم می‌گیرند؛ (چپرا^۱، ۱۳۸۳) اما زمینه‌ها و عوامل فرهنگی موثر بر توسعه و تعمیق این بحث موجب شد که توسعه فرهنگی با هدف افزایش دسترسی مردم به کالاها و خدمات فرهنگی، مشارکت در فرهنگ و حفظ هویت فرهنگی در دهه ۱۹۸۰ مورد عنایت قرار گیرد. در واقع همین مساله توجه مبحث به حاشیه رانده شده سرمایه اجتماعی را کلید زد.

از سال‌های میانی دهه نود میلادی بدین سو نیز به دنبال نمایان شدن آثار ناکامی در توصیه‌های سازمان‌های اقتصادی جهانی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در کشورهای غیر صنعتی، مجموعه سیاست‌ها و اندیشه‌هایی در سازمان‌های مزبور شکل گرفت که، با عناوینی، همچون نهادگرایی جدید، حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی، دموکراسی و حقوق بشر به گونه‌ای گسترده در کشورهای بزرگ صنعتی طرح گردید و به طور وسیع و نسبتاً گسترده مورد پذیرش قرار گرفت؛ که گرچه از پایگاه‌های مختلف فکری و با انگیزه‌های مختلفی ارایه می‌شد، اما در لزوم توجه به ترتیبات نهادی، گرایش به سمت پذیرش میزان کمتری از دخالت دولت و وارد کردن مفهوم سرمایه اجتماعی به نظریه مسلط در دانش اقتصاد؛ به توصیه‌های پیشین سازمان‌های یاد شده اضافه شد. زیرا نگرش تقلیل‌گرا به توسعه علی‌رغم تحقق رشد اقتصادی از حل مشکلات و مسایل اجتماعی مانند عدالت، تامین اجتماعی، کاهش فساد و حکمرانی خوب بازمانده و هزینه‌های هنگفتی بر این جوامع تحمیل کرده بود و از همین رو از سوی برخی از نظریه‌پردازان توسعه وحشی و خشونت‌بار خوانده می‌شد. (سن^۲، ۱۳۸۱)

¹ M Umer Chapra

² Amartya Kumar Sen

ها و منابع پدید آورد. بورديو برای تبدیل پذیری اشکال مختلف سرمایه، بر تقلیل نهایی همه اشکال سرمایه اقتصادی تاکید می کند. کاربرد سرمایه اجتماعی در نزد بورديو بر این درک استوار است که افراد چگونه با سرمایه گذاری بر روابط گروهی، وضعیت اقتصادی خود را در یک فضای اجتماعی سلسله مراتبی (جامعه سرمایه داری) بهبود می بخشند. از این جهت می توان رویکرد او را ابزاری، فردگرا و متأثر از تئوری سرمایه مارکس و بیشتر تضادگرا تلقی کرد. (توسلی، ۱۳۸۲)

از نظر بورديو، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط کمابیش نهادینه شده، آشنایی و شناخت متقابل بین افراد؛ یا به بیان دیگر عضویت در گروه است. شبکه ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می کند و آنان را مستحق اعتبار می سازد. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندها است. در واقع پیوندهای شبکه ای می بایست مثبت و مبتنی بر اعتماد باشند. (تاجبخش، ۱۳۸۹)

جیمز کلمن^۳ در کتاب بنیادهای نظریه اجتماعی (۱۹۹۴) می نویسد: «سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می شود، سرمایه اجتماعی شیء واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها شامل جنبه ایی از یک ساخت اجتماعی هستند؛ و کنش های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف های معینی را که در نبودن آن دست یافتنی نخواهد بود. کلمن اعتقاد دارد که سازمان اجتماعی، سرمایه اجتماعی را پدید می آورد و دستیابی به هدفها را که در نبود آن نمی توانست بدست آید و یا با هزینه بالاتری ممکن بود بدست آید، را تسهیل می کند؛ و آن نظام تعهدات و انتظارات است یعنی اگر فرد A برای B کاری انجام دهد، با اعتماد به اینکه B در آینده آن را جبران خواهد کرد، این امر انتظاری را در A و تعهدی را در B برای حفظ اعتماد ایجاد می کند. این تعهد مانند برگه ای اعتباری در دست A است و اگر او تعداد زیادی از این برگه ها از افرادی که با آنها رابطه دارد در دست داشته باشد همانند سرمایه مالی بزرگی برای A

در واقع پرسش تازه این بود که اگر توسعه را به معنای بهبود استاندارد های زندگی و نظام اجتماعی بدانیم، چه عواملی می توانند پیش برنده این خواسته در یک واحد ملی باشند؟ پاسخ گویی به این سوال، ادبیات گسترده و پردامنه ای را رقم زده است. بنابر این اگرچه تا پیش از دهه ۷۰ میلادی، مطالعات توسعه عموماً بر پارامترهای اقتصادی و نقش دولت تاکید داشتند، اما به تدریج نقش عوامل و مفاهیم اجتماعی و فرهنگی پر رنگ شد. این چرخش نظری است که مفهوم سرمایه اجتماعی سربلند کرده است.

این چرخش بر این مبنا استوار است که آنچه حلقه های زنجیره توسعه را به هم متصل می کند، زندگی در شرایطی است که مسائلی عمومی، همچون قانون، سلامت، آزادی، امنیت اجتماعی، عدالت و همه اینها ذیل نوعی اعتماد عمومی به خود، دیگران، جامعه و آینده آن نهادینه شده باشند. مجموعه ای از پیش نیازها که همان مفهوم سرمایه اجتماعی را رقم می زند. پدیده ایی که از مجموعه هنجارها و ارزش های موجود در نظام فکری، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه منتج می شود و حاصل تاثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است. مطالعات و تجربیات بین المللی نشان می دهند این پدیده تاثیر قابل توجهی بر عملکرد اقتصادی و توسعه کشورها دارد.

سرمایه اجتماعی

پیر بورديو^۱ نخستین کسی است که تحلیل منظمی از سرمایه اجتماعی ارائه داده است. (پورتز^۲، ۱۹۹۸: ۳) از نظر وی، سرمایه اجتماعی عبارت است از انباشت منافع بالفعل یا بالقوه ای که به تصاحب یک شبکه بادوام روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی یا بازشناخت متقابل مربوط هستند. (فیلد، ۱۳۸۸) سرمایه اجتماعی ساخته شده از تکالیف و تعهدات اجتماعی است و در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است و چه بسا به شکل اصالت و اشرافیت درآید. «تاجبخش، ۱۳۸۹) از نظر بورديو شبکه های اجتماعی موهبتی طبیعی نیستند و باید آنها را با انجام کنش های منطقی و قصدمند برای دستیابی به دیگر سرمایه

¹ Pierre Bourdieu

² Alejandro Porters

³ James Kelman

در صورتی، معنی دارد که بیش از یک فرد در آن سهمیم باشد. گروهی که خاص سرمایه اجتماعی اند ممکن است به کوچکی دو دوست باشند که با یکدیگر تبادل اطلاعات می کنند یا در پروژه ای مشترک همکاری می کنند و یا ممکن است در مقیاس بزرگ تر تمامی یک ملت باشد. (فوکویاما، ۱۳۸۵)

فوکویاما در مقاله «سرمایه اجتماعی و توسعه: دستور کار آینده»؛ اذعان دارد که توافقی بر سر تعریف سرمایه اجتماعی وجود ندارد، وی این مفهوم را اینگونه تفسیر می کند: سرمایه اجتماعی «هنجارها یا ارزشهای به اشتراک گذاشته شده است که موجب تقویت همکاری اجتماعی بر اساس روابط اجتماعی واقعی می شود». وی از این تعریف در مقاله خود به وفور استفاده کرده است. وی بیان می دارد که سرمایه اجتماعی پیشینیزی ضروری برای توسعه موفق است؛ اما برقراری نیرومند قانون و نهادهای زیربنایی سیاسی برای ساختن سرمایه اجتماعی ضروری هستند. وی معتقد است دموکراسی و رشد اقتصادی نیرومند، نیازمند سرمایه اجتماعی توانمند هستند. باندبازی یکی از مشکلات اساسی اعتماد است زیرا که تقویت کننده یک نظام اخلاقی دوگانه است که در آن فرد مجبور است جانب اعضاء خانواده خود را بگیرد. فوکویاما معتقد است که سرمایه اجتماعی پیوندی، که توسط پاتنام، در بولینگ یکنفره، معرفی کرده است؛ برای سرمایه اجتماعی نیرومند ضروری است چون که وسعت یافتن سطح اعتماد، دایره روابط را به ورای هر مرز و محدودیتی گسترش خواهد داد و نقش بنیادی در بنای سازمان خواهد داشت. (کامران، کفاشی و اختر محقق، ۱۳۸۹)

رابرت پاتنام، پس از مطالعه تفاوت عملکرد سازمان های جمعی در شمال و جنوب ایتالیا، به این صورت که در شمال ایتالیا نهادهای جمعی بهتر کار می کردند، مردم بیشتر در انتخابات شرکت می کردند و عملکرد سازمانهای اداری مطلوبتر بود در حالی که در جنوب ادارات پاسخگوی شهروندان نبودند و شهروندان نیز به حکومت منطقه ای اعتمادی نداشتند. این پرسش را مطرح می کند که با وجود سیاستهای مشخص و یکسان دولت مرکزی چرا نهادهای دموکراتیک در شمال ایتالیا کارآمدتر از جنوب عمل

اعتباری را ایجاد می کند که در صورت لزوم می تواند از آن استفاده کند. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳)

کلمن نتیجه می گیرد که سرمایه اجتماعی همچون دیگر شکل های سرمایه، بسیار پربار است و نیل به اهداف ویژه ای را میسر می سازد که بدون آن امکان پذیر نیست. در جامعه کشاورزی، که کشاورزان در برداشت محصولات به یکدیگر کمک می کنند و قرض دادن و قرض گرفتن ابزارآلات کشاورزی بسیار متداول است؛ سرمایه اجتماعی به هر کشاورزی امکان می دهد تا با سرمایه فیزیکی، یعنی ابزار آلات کمتری کار خود را انجام دهد. (پاتنام^۱، ۱۳۸۹)

مطالعات فرانسویس فوکویاما پیرامون سرمایه اجتماعی نیز مانند پاتنام در سطح کلان دنبال شده است. او سرمایه اجتماعی را در سطح کشورها و در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادی آنها مورد بررسی قرار داده است. وی سرمایه اجتماعی را به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزشهای غیر رسمی تعریف می کند؛ که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهمیم هستند، مشارکت در ارزشها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی گردد، چرا که این ارزشها ممکن است ارزشهای منفی باشد. (فوکویاما^۲، ۱۳۸۵)

فوکویاما از سرمایه اجتماعی یک تعریف جمعی دارد؛ و آن را به منزله دارایی گروهها و جوامع تلقی می کند. وی هنجارهایی که سرمایه اجتماعی را به وجود می آورد را شامل صداقت، تعهدات، ارتباط متقابل می داند: «هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می کنند اساساً باید سجاییی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دو جانبه باشد. یعنی می توانند تنها میان گروه محدودی از مردم که همان اجتماع مشترک باشند و نه در میان دیگران رواج یابند. (فوکویاما، ۱۳۸۵)

ویژگی نگرش فوکویاما تمرکز بر جمعی بودن سرمایه اجتماعی است: نخست این که سرمایه اجتماعی به این دلیل زیر مجموعه سرمایه انسانی نیست چرا که این سرمایه متعلق به گروههاست نه افراد. سرمایه انسانی معمول، مانند سطح تحصیلات و مهارت، را می توان کسب کرد. برعکس، هنجارهایی، که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می دهند

¹ Robert David Putnam

² Yoshihiro Francis Fukuyama

ابزار کشاورزی در سطحی گسترده قرض داده و قرض گرفته می‌شود سرمایه اجتماعی به هر کشاورز اجازه می‌دهد تا کارش را با سرمایه مادی کم‌تری مانند ابزار و تجهیزات به پایان برساند. همکاری ارادی به وسیله سرمایه اجتماعی تسهیل می‌شود یکی از نمونه‌های آموزنده این اصل نوعی نهاد پس انداز غیر رسمی است که در همه قاره‌ها تحت عنوان «انجمن اعتبار گردشی» یافت می‌شود. (پاتنام، ۱۳۸۰) وی در مطالعات خود به دلایل و روندهای ایجاد تشکیلاتی چون انجمن‌های اعتباری‌گردان و انجمن آوازخوانی می‌پردازد. در این مرحله سرمایه اجتماعی را در اشاره به آندسته از ویژگیهای زندگی اجتماعی شبکه‌ها؛ هنجارها و اعتماد که شرکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب نمایند، به کار برد. (فیلد، ۱۳۸۸) در مجموع پاتنام سرمایه اجتماعی را در آثار خود با سه مؤلفه به عنوان ویژگیهای سازمان اجتماعی تعریف می‌کند (الف) شبکه‌های مشارکت مدنی؛ (ب) هنجارهای عمل متقابل؛ (ج) اعتماد از تأمل در نظریه‌ها فهمیده می‌شود که سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه هنجارها، ارزش‌ها و قوانین درونی شده جامعه است. این سازوکارهای نهادی زمینه‌های شکل‌گیری، تکامل و تعمیق دو عنصر روانی و رفتاری اعتماد و مشارکت را در جامعه فراهم می‌کنند. بهبود هر چه بیشتر شاخص‌های اعتماد اجتماعی به معنای شکل‌گیری شبکه تعاملات و مشارکت اجتماعی است که شتاب‌گذار از نهادهای غیر رسمی به نهادهای رسمی و گسترش و عمق بخشی به کارآمدی نهادسازی؛ افزایش کارآمدی نهادی و سازماندهی جامعه، به عنوان یک پیشنهاد و امر تسهیل‌گر برای تجمیع منابع انسانی و مادی در راستای سیاستگذاری توسعه را ممکن می‌سازد

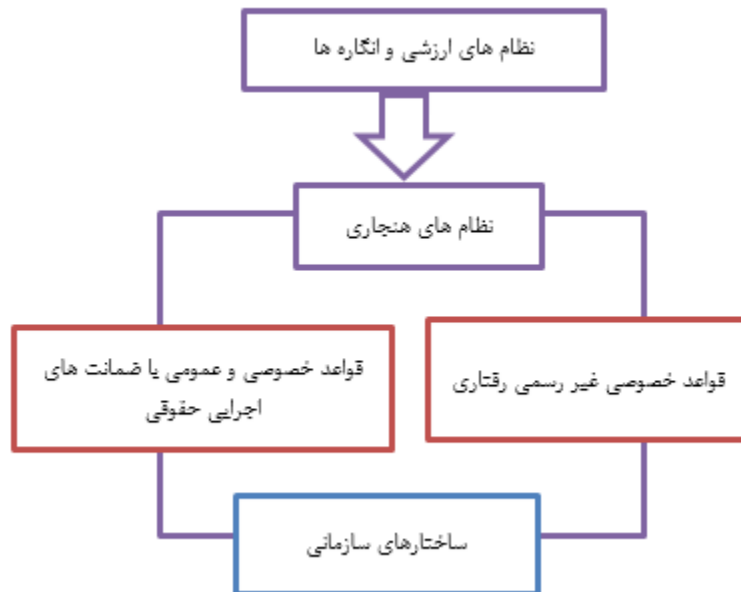
می‌کنند؟ به علاوه چه عاملی اختلاف رشد اقتصادی شمال و جنوب ایتالیا را توضیح می‌دهد؟ (پاتنام، ۱۳۸۰) و از این زاویه وارد بحث سرمایه اجتماعی می‌شود.

وی ریشه این اختلاف را به پیشینه وجود اصناف و نهادهای خودگردان در سده‌های میانه در شمال ایتالیا و فقدان آن در جنوب ربط داد و به این نتیجه می‌رسد که هر جا سرمایه اجتماعی از میزان بیشتری برخوردار بوده بر کارایی نهادی و حکومت خوب، تأثیر مثبت داشته است. «عملکرد نهادی نسبتاً موفق مناطق شمالی به دلیل روابط دوجانبه بین حکومت و جامعه مدنی است. او ریشه‌های این رفتار مدنی پرسود را در فعالیت‌های اصناف اولیه قرون وسطی در دولت-شهرهای بزرگ مستقل و خودگردان شمال می‌داند و در عوض، او بر این باور بود که ریشه‌های شکاف بین دولت و جامعه مدنی در جنوب در دوره حکومت نورمن‌ها نهفته است که این دوره فرهنگ شک و ترس متقابل را ایجاد نمود و این ویژگی بارها سد اصلاحات و نوزایی نهادی شده است.» (جان فیلد^۱، ۱۳۸۶)

از این نظر سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب کنند. به بیان دقیق‌تر سرمایه اجتماعی از طریق افزایش هزینه‌های بالقوه جدا شدن، تقویت هنجارهای مستحکم بده - بستان، تسهیل جریان اطلاعات از جمله اطلاعات مربوط به شهرت کنشگران و تجسم موفقیت‌های گذشته سعی دارد به تحقق کنش جمعی کمک کند.

برای مثال گروهی که اعضایش اعتبار خود را نشان داده و به یکدیگر اعتماد دارند؛ نسبت به گروهی که فاقد این ویژگی هستند توان انجام کارهای زیادتری را دارند. در یک جامعه کشاورزی که یک کشاورز یونجه‌اش را از دیگری می‌گیرد و

¹ John Field



شکل ۲. طرح نهادی سلسله مراتبی (گروینوگن، ۱۳۹۱)

نهادهای

توافق قانونی^۲ و اشتراک سودمندی^۳، دو بعد یک اجتماع سیاسی را می سازند، اما بعد سوم نیز وجود دارد و آن عبارت از این است که مردمان آن جامعه می بایست نسبت به اجتماع شان خودآگاهی و تعهد داشته باشند. در واقع بهم پیوستن منظم، پایدار و برخوردار از تداوم است که جامعه قلمداد می شود. (هانتینگتون، ۱۳۸۶) آن بهم پیوستنی که مبتنی بر توافق همگانی، بر اساس حقوق و علائق مشترک در منافع متقابل و نیز برخوردار از آگاهی و تعهد به اجتماع و متکی به نظم، پایداری و تداوم باشد، پیوستن نهادی محسوب می شود.

نهاد، یک رسم، عادت، قاعده، یا یک تشکیلات تثبیت شده است. نهادها ممکن است به شکل های مختلف، از باورها و انگاره های کاملاً نهفته در میان مردم در باره نحوه رفتار با یکدیگر، تا قواعد عملی تجاری در باره نحوه کاربرد انواع پول ها و قواعد کیفی در آیند. از برداشت های ضمنی و توافقات قراردادی بین شرکای کسب و کار یا بین کارگر و کارفرما تا قوانین کاملاً واضح حکومتی را در بر می گیرد. زبان، رسوم،

از منظر کارکردگرایانه، در یک جامعه ساده، اجتماع بر رابطه بی میانجی اشخاص استوار است. رابطه اعضای خانواده با هم، رابطه مستقیم همسایگان با همدیگر و در شعاعی بزرگتر، رابطه ی فامیل، یا همباران، بدون دخالت و کنترل عوامل میانجی تداوم می یابد. در این جامعه ساده، اعتماد که پیش نیاز و مبنای برقراری رابطه اجتماعی است از وابستگی های خونی، نسبی و محلی سرچشمه می گیرد. اما هر چه جامعه گسترده و پیچیده تر شود، رابطه بی میانجی ناکارآمدتر می شود و رنگ می بازد و ناممکن می شود و اشتراک اجتماعی به رابطه افراد یا گروه ها به چیزی فراتر از خودشان نیاز دارد. وفاق اجتماعی در این جامعه بر محور سنت ها، اسطوره ها، غایات و یا قاعده های رفتاری دور می زند، که در میان اشخاص و گروه های آن جامعه مشترک است. این همان چیز است که سیسرو آن را مصداق تعریف جامعه همسود^۱ قرار می دهد: «به هم پیوستن شمار قابل ملاحظه ای از انسان هایی که بر پایه یک توافق همگانی مبتنی بر قانون و حقوق و علاقمندی به اشتراک در منافع متقابل، وحدت می یابند.»

² Consensus jurist

³ Utilization communion

¹ Common Wealth

بر انگیختن وفاداری های ملی و همگانی و در سازمان دادن مهارت ها و استعداد های افراد جامعه شان نیز کارآیی ندارند. هانتینگتون، سیاست ایرانی را با برجسب سیاست بی اعتمادی مشخص می کند و توضیح می دهد که «ایرانیان با دشواری به همدیگر اعتماد می کنند و کمتر می توانند برای مدت زیادی با همدیگر کار کنند.» (هانتینگتون^۲، ۱۳۸۶)

روش شناسی

رویکرد نظری در این پژوهش اساساً نهادی است. رویکرد نهادگرایی بر این فرضیات استوار است انسان در یک محیط غیر اعتمادآمیز و بنابر این در فضای روانی نااطمینانی، شکلی شاید تلطیف یافته، از محیطی که توماس هابز، نظام سیاسی اقتدار گرای خود را در آن ساخته است، کنشگری می کند. تعریف هابز از زندگی آدمیان دنیایی پر از عدم اطمینان و نا آرامی است. چنان که می گوید: «تا وقتی ما در این دنیا زندگی می کنیم، خبری از آرامش خاطر دائمی نیست؛ زیرا زندگی خود تنها حرکت است و هیچ گاه نمی تواند خالی از خواهش یا ترس باشد.» هابز سپس توضیح می دهد که ورود به قرارداد چگونه فضای اعتماد را ایجاد می کند. (هابز^۳، ۱۳۹۵)

مفروض دیگر این که انسان ها در این محیط نامطمئن، به اقتضای زندگی اجتماعی دست به مبادله می زنند. در واقع انسان ها نیاز دارند در جوئی از نظام مبادلات کالا، خدمات و احساسات و عواطف رفتار می کنند. برای فعالیت مبادلاتی، که در بر دارنده تمام رفتار اجتماعی فرد است نیاز به ایجاد فضای اعتماد و بنابر این اطمینان و آرامش است. تسهیلگر این محیط نهادها هستند و عوامل اقتصادی در محیط نهادی کنش گری می کنند. همچنین تأکید بر نقش ویژه ی عناصر حکومتی و دولت، از ویژگی های رویکرد نهادگرایی جدید است. (تاج گردون و دیگران، ۱۳۹۳)

ادبیات جدید توسعه بصورت گسترده ای تحت تأثیر مطالعات و مدل های نهادگرایی و از جمله مباحث داگلاس سی نورث و همکارانش است. چالش اصلی در نظریه توسعه نورث و همکارانش چگونگی گذار از نظم های دسترسی محدود در نظام های حکومتی طبیعی، به حکومت های بالغ

هنجارها، بر چسب ها، قوانین حقوقی و استانداردها، از قبیل نظام های اوزان و مقادیر و مقیاس ها؛ همگی نهاد محسوب می شوند. نظام های قراردادهای، بویژه اگر بخوبی کارآمد نباشد، نیاز به حفاظ هایی از نهادهای کمکی و پشتیبان برای ایجاد امنیت خاطر میان ذینفعان دارد. (گروپونوگن، ۱۳۹۱) مردم در محیط پیچیده نهادی، شامل قواعد رسمی و غیر رسمی رفتار می کنند.

نهادها محصول تکامل ابعاد سرمایه اجتماعی هستند، که از طریق بسترسازی شکل گیری نظام های هنجاری و عرفی و نهادهای غیر رسمی و نظام های قانونی و مقررات، شبکه ها و سازمان ها؛ جامعه را در مسیر انسجام پذیری برای بارگذاری برنامه های توسعه آماده می سازد. بنابر این رابطه همبستگی مثبت میان نظام های اعتقادی و جهانی بینی، اعتماد متقابل و سازوکارهای قانونی و رسمی در جوامع بخوبی قابل شناسایی است. این رابطه تأثیر خود را در وضعیت شاخص های توسعه منعکس می کند و از سوی دیگر نوسانات توسعه نیز موج های بازگشتی در تحولات کارآمدی نهادی و سپس سطح سرمایه اجتماعی جوامع ایجاد می کند که می تواند به بهبود و یا تضعیف شاخص ها بیانجامد. نهادها، ساختاری در اختیار ما قرار می دهند که هزینه مبادلات را تعیین می کند. انگیزش بازیگران (تابع مطلوبیت آن ها)، پیچیدگی محیط و توانایی بازیگران در رمزگشایی و سامان بخشیدن به محیط (نظام های مقیاس ها، اوزان، مقادیر و اجرا) تعیین کننده میزان موفقیت نهادها در حل مسئله هماهنگ سازی و تولید است. وجود نهادها مبنای شکل گیری فرایند مبادله است و البته از حیث درجه پیچیدگی، که متناسب با مختصات مبادله خواهد بود، با همدیگر متفاوت هستند. (نورث^۱، ۱۳۷۷)

هانتینگتون تشکیل و میزان کارآمدی اجتماع انسانی را مستقیماً محصول میزان نهادمندشدگی اعتماد در آن جامعه بر می شمارد. بر همین اساس ضعف و یا نبود اعتماد در فرهنگ جامعه، مانع مهمی در ایجاد نهادهای همگانی کارآمد است. تبعاً جوامعی که در ایجاد یک حکومت پایدار و موثر ناکارآمدند، در ایجاد اعتماد متقابل میان شهروندان، در

² Samuel P. Huntington

³ Thomas Hobbes

¹ Douglass North

نهادی و نهادسازی، در محیط نهادی غیر است. این اقدامات برای متناسب سازی ظرفیت های محیط نهادی با ظرفیت ها با نیاز بسترهای توسعه صورت می گیرد.

مفاهیم برگزیده این پژوهش از بستر نظری نهادی خواهند بود؛ و برای تبدیل این مفاهیم به فرضیه ای کارآمد و قابل سنجش، چارچوب ضریب همبستگی مثبت سازوکار ارتباط متغیرهای دخیل در این پژوهش را توضیح می دهد. بدین معنا که یک همبستگی مثبت میان سه عامل سطح سرمایه اجتماعی، کارآمدی نهادی و توسعه ملی بر قرار است. همبستگی می تواند به عنوان یک ابزار آماری تعریف شود که رابطه بین دو متغیر را تعریف می کند؛ و توضیح می دهد که چگونه دو متغیر به وابستگی دارند و در عین حال رابطه علت و معلولی میان آن ها بر قرار نیست. (گروینوگن، ۱۳۹۱) مفهوم **ضریب همبستگی**^۱ در مورد توزیع های دو یا چند متغیره بکار می می رود. اگر مقادیر دو متغیر شبیه هم تغییر کنند یعنی با کم یا زیاد شدن یکی دیگری هم کم یا زیاد شود بگونه ای که بتوان رابطه آنها را به صورت یک معادله بیان کرد، می توان گفت بین این دو متغیر همبستگی وجود دارد. (قربانی و عظیمی، ۱۳۹۳)

هزینه مبادله و اطمینان از مفاهیم و متغیرهای پر کاربرد در این پژوهش هستند که تعریف می شوند. **هزینه مبادله**، یک مفهوم کلیدی در رویکرد نهادگرایی است؛ و پرسش اساسی این است که چگونه مبادلات را می توان به کارآمدترین شکل هماهنگ کرد؟ (گروینوگن، ۱۳۹۱) **اطمینان** نیز یکی از واژگان کلیدی در ادبیات سرمایه اجتماعی و نهادگرایی است. در واقع اطمینان بستر روانی شکل گیری مبادلات است و نیز هدف سازوکار نهادی محسوب می شود. نقش عمده نهادها در جامعه این است که از طریق تأسیس یک ساختار با ثبات، که ممکن است لزوماً کارآمد هم نباشد، برای هماهنگ سازی کنش های متقابل انسانی، عدم اطمینان را کاهش می دهند. (نورث، ۱۳۷۷) مفهوم دیگری که می تواند گویای رابطه سه متغیر سرمایه اجتماعی، کارآمدی نهادی و توسعه ملی باشد؛ مفهوم هم

است. (نورث و وینگاست، ۱۳۹۶) نهادها از طریق تأثیر گذاردن بر هزینه های مبادله و تولید، عملکرد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تحت تأثیر قرار می دهند. نهادها و دانش فنی بکار گرفته شده، توأمأً هزینه های معاملاتی و هزینه های تولید، یعنی هزینه های کل را تعیین می کنند. (نورث، ۱۳۷۷) ساختار نهادی غیر رسمی، از قبیل ارزش ها، هنجارها و نهادهای رسمی؛ از جمله قوانین و سازمان ها و ساختارهای سازمانی و بنگاه ها؛ مقید کننده و پیش بینی پذیر ساز مسیر هستند. همچنین چارچوب مناسبات ساختار- کارگزار، تا حدود زیادی مبنای درک عاملیت در این پژوهش است. چنان که مورخان اقتصادی آثار نهادی قوانین، مقررات و قواعد غیر رسمی را بر سرمایه گذاری هایی که کارگزار انجام می دهد را نشان می دهند و به پیامد آن شرایط ساختاری در اقتصاد تأکید دارند. آشکار است که حقوق مالکیت کارآمد با عملکرد مطلوب و نظام قضایی بی طرف، نا اطمینانی های عوامل اقتصادی را کاهش می دهند و تصمیم گیری موثر و به هنگام برای مشارکت را تسهیل می کند. همه موارد در این چارچوب درک می شود که کارگزار در فرایند محاسبه عقلانی دریافت می کند که در چارچوب این ساختار نهادی قادر است با ریسک کمتری وارد مبادلات اقتصادی، اجتماعی و یا سیاسی شود. (گروینوگن، ۱۳۹۱) نمونه های بسیاری در تجارب تاریخی جوامع نشان می دهد که نهادها رشد اقتصادی را شتاب بخشیده اند. پرسش های اصلی نهادگرایی:

با توجه به محیط نهادی، ساختارهای نهادی کارآمد کدام است؟

دلایل کارآمدی و ناکارآمدی نهادها از نظر خاستگاه و تغییرات نهادی کدام است؟

عوامل: عقلانیت محدود، انتخاب عقلایی و بیشینه سازی سود و تدبیر رفتارها برای کمینه سازی هزینه های مبادله ساختارها: ساختار نظام های ارزشی، فرهنگی، انگاره های ذهنی، نظام عادات، آداب و سنت ها و نهادهای رسمی، شامل انبوه مقررات و قوانین و نیز ساختارهای سازمانی از این جمله اند. ساختار بازار یکی از سازوکارهای تخصیص کارآمد در شرایط نهادی مناسب است. ساختار حکومت بصورت پیوسته ای درگیر ساماندهی، بازسازی، نوسازی

¹ Correlation

وقتی نسل های مختلف در یک جامعه تجارب سختی را از در کنار هم بودن، با ایستادگی بگذارانند، به پیوستگی و انسجام بیشتری دست می یابند. درجه استحکام اعتماد، مشارکت و شبکه ای شدن جامعه، در چارچوب نهادهای گوناگون رسمی و غیر رسمی، رابطه مستقیمی با خصوصیات این تجارب تاریخی دارد.

این که سطح سرمایه اجتماعی، در جوامع باستانی نظیر مصر یا ایران، با هزاران سال سابقه تمدنی، قادر به ایجاد کارآمدی نهادی برای بسترسازی نیستند، یک وضعیت ناسازنا است. ممکن است پاسخ را بتوان در تاریخ پر از آمد و شد مهاجران صحراگرد و یورش ها به این سرزمین ها جستجو کرد. سرمایه اجتماعی بالایی که توسعه را در جوامع جدید شرق آسیا بسترسازی می کند نیز توسط تئوری هایی نظیر «نظریه پرش از موانع» در مطالعات نوسازی جدید تبیین می شود. (سو^۱، ۱۳۸۶)

ابعاد کیفی سرمایه اجتماعی، نظیر اعتماد، ریشه در اعتقادات و نظام های جهان بینی جوامع دارند و چنانچه گفته شد، در طول زمان شکل می گیرند. در عین حال تسهیل فرایندهای افزایش ابعاد کیفی این موضوع از طریق ایجاد بسترهای تعاملات اجتماعی، اقدامات مؤثری به حساب می آیند. در سطح بین الملل و از جمله در کشورهای در حال توسعه، سازمان های حمایتی زیادی درگیر مشارکت در سیاستگذاری برای افزایش سرمایه اجتماعی از طریق شبکه های اجتماعی و سازمان های نوپا هستند. (روستاین^۲، ۱۳۹۳)

افزایی است. هم افزایی زمانی حاصل میشود که دو یا چند عنصر یا چند عامل در اثر، هم یاری یا تعامل با یکدیگر موجب ایجاد اثری شوند که از مجموع اثرهایی که هر کدام از آن عناصر جداگانه می توانستند به وجود آورند. در فیزیک، سینرژی عبارتست از «افزایش ترکیب دو انرژی که بیشتر از میزان واقعی در حالت انفرادی است»؛ در موسیقی ترکیب دو نت یا دو صدا، انرژی بیشتری را تولید می کند و اثرات شدیدتر و متفاوت تری نسبت به یک یک نت ها به طور جداگانه دارد. در مباحث مربوط به رفتار انسانی و روانشناسی اجتماعی، هم افزایی را رفتار مضاعف و ایجاد کلی که بزرگتر از مجموع رفتارهای تشکیل دهنده آن است، می گویند (دهشیری، ۱۳۹۳، ۲۸)

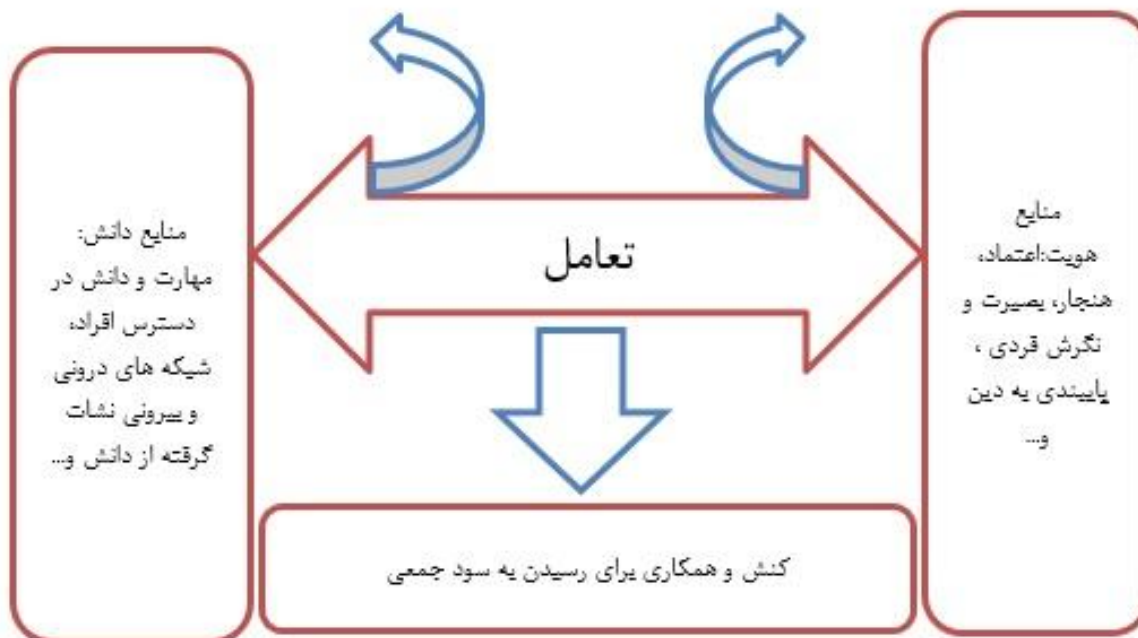
در حالی که رویکرد نظری در این پژوهش نهادگرایی است، سعی شده است از طریق تلفیق نظریه نهادگرایی در توسعه و نیز سرمایه اجتماعی، به درک همه جانبه تری از موضوع برسیم. بنابر این چارچوب نظری پژوهش، تلفیقی از تئوریهای سرمایه اجتماعی، نهادگرایی و توسعه؛ و نظریات اندیشمندانی چون پاتنام، فوکویاما، هانتینگتون، نورث، شومپتر، میردال و تودارو، در ارتباط با متغیرهای درگیر در شکل گیری موضوع پژوهش است. فرضیه اصلی پژوهش این است که رابطه همبستگی مثبتی میان سه متغیر سرمایه اجتماعی، کارآمدی نهادی و توسعه ملی برقرار است. این پژوهش از نظر هدف بنیادی و از نظر روش کتابخانه ای، اسنادی و اکتشافی است.

یافته های پژوهش

سرمایه اجتماعی یک میراث تاریخی و در واقع تراکم تجربه زیسته بشری است که در اثر هزاران سال تجارب ساکنان یک سرزمین بدست می آید. می توان فرایند تشکیل سرمایه اجتماعی را به فرایند تشکیل سنگ الماس تشبیه کرد. الماس بطور طبیعی تحت فشار و دمای زیاد اعماق زمین و در زمانی طولانی تشکیل می شود. در این محیط کربن کریستالیزه شده به الماس تبدیل می شود و در غیر این صورت گرافیت پدید می آید. خصوصیات الماس در مسیر تشکیل شدن، بعنوان سخت ترین کانی، می گیرد رابطه مستقیمی با میزان، مدت و نوع فشار و حرارتی دارد که تجربه کرده است.

¹ Alvin Y So

² BO Rothstein



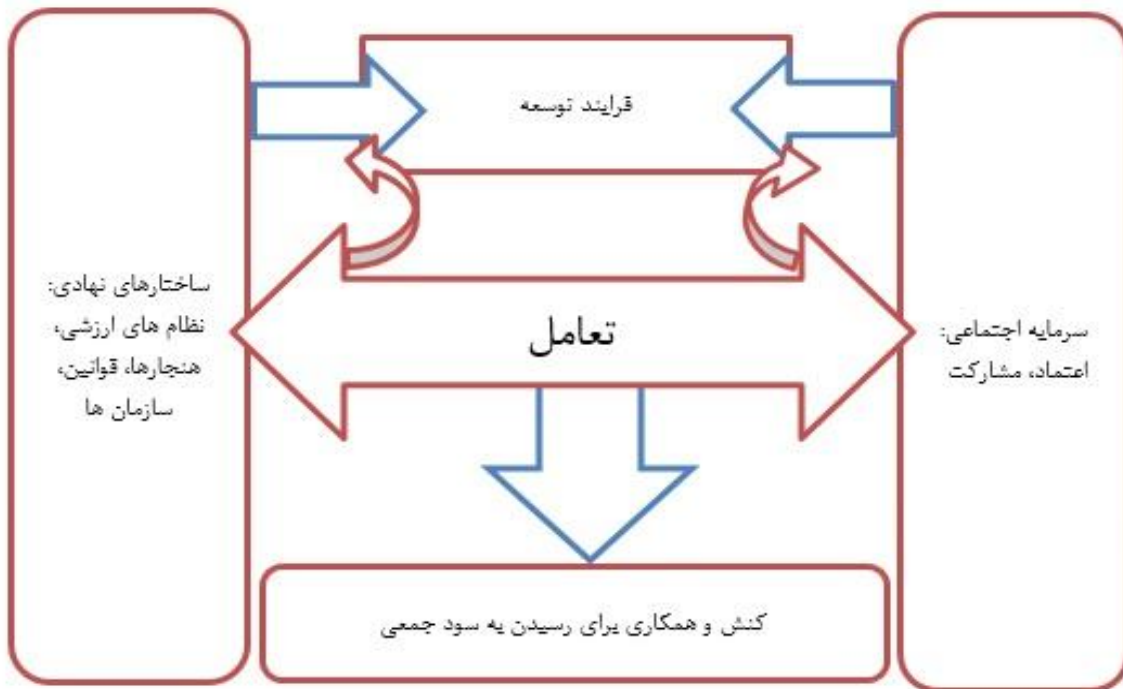
شکل شماره ۳. فرایند تشکیل سرمایه اجتماعی (رنانی، مؤیدفر، ۱۳۹۰)

بیشتر اتصالات اجتماعی فرد کنار گذاشته شوند.

(پاتنام، ۲۰۰۰)

دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی، پایه های سنتی پیوستگی های اجتماعی را سست و یا نابود می کند. دست یابی به یک سطح بالاتر از تحول سیاسی، به قابلیت مردم آن کشور در پروراندن صورت های نوین همبستگی، بستگی دارد. نبود پیوستگی های گوناگون اجتماعی و بر اثر آن، سطح پایین تحول سازمانی، ویژگی جوامعی است که سیاست شان نابسامان و آشفته است. ناچیزی سازمان های اجتماعی، یکی از ویژگی های جوامع توسعه نیافته است. (هانتینگتون، ۱۳۸۶) در جوامع توسعه نیافته، بی اعتمادی های متقابل و وفاداری های تکه پاره شده، زمینه ساز کمبود سازمان است. تا آن جا که می توان مشاهده کرد، تمایز اساسی میان یک جامعه از نظر سیاسی توسعه یافته و یک جامعه توسعه نیافته، تعداد، حجم و کارآمدی سازمان هاست.

سرمایه اجتماعی در درون نظام های ارزشی و تفسیری، هنجارها، فرهنگ اجتماعی، ساختار نهادی رسمی و غیر رسمی پدید می آید و از طریق نظام های تعلیم و تربیت و فرایندهای جامعه پذیری به نسل ها منتقل می شوند. میزان سرمایه اجتماعی جوامع ثابت نیست و قاعدتا با توجه به تحولات و تجارب در تغییر و نوسان خواهد بود. چنانچه دولت ها و نهادهای رسمی ممکن است مخرب انسجام و اعتماد اجتماعی در جوامع سنتی باشند و یا از طریق استقرار دموکراسی های با ثبات و پایداری اقتصادی، سطح سرمایه اجتماعی را بالا برند. بهم خوردن ثبات اجتماعی و از جمله شتاب گرفتن روندهای مهاجرت و شکل گیری جوامع چندین هویتی نیز می تواند موجبات ریزش سرمایه اجتماعی را فراهم سازد. طبیعی است که سرمایه اجتماعی محصول تجربه زیسته مشترک جوامع و نیز ناشی از قرار گرفتن در یک نظام هنجاری و کنترلی است که با مهاجرت، بطور عمده آسیب می بیند. بطور کلی مهاجرت باعث کاهش سرمایه اجتماعی فرد می شود زیرا ممکن است



شکل شماره ۴. رابطه دو سویه سرمایه اجتماعی و کارآمدی نهادی

کارآمدی نهادی

اسناد مالکیت است که دارایی های افراد می توانند دارای ارزش های مضاعف نمادین گردند و به عنوان سرمایه در نظام اقتصادی فعالیت کنند. این مرحله مناسبی از کارآمدی نهادی به شمار می آید. (دوسوتو، ۱۳۸۵)

کارآمدی یا ناکارآمدی ساختار نهادی موجب تقویت و یا فروکش کردن امواج اعتماد و مشارکت در مسیر رفت و یا بازگشت از توسعه می شود. این تحلیل بر این مبنا پیش می رود که توسعه ملی محصول یک رابطه تعاملی هم افزا میان سطح سرمایه اجتماعی و کارآمدی نهادی است. جوامع بر اساس تجربه تاریخی خود سطحی از اعتماد را برای اطمینان بخشی از پایین بودن هزینه های مبادله و جلب مشارکت برای شهروندان ایجاد می کنند. رشد سطح سرمایه اجتماعی و ضرورت توسعه مبادلات، نهادها را تقویت و از شکل ارزشی، هنجاری و ساختاری به صورت نهادهای رسمی، قواعد، مقررات و سازمان ها، تکامل می بخشد. این نهادها ظرفیت تجمع و سازمان دهی منابع و گسترش مبادلات را

دوسوتو^۱ راز پیدایش سرمایه داری، به مثابه توسعه، را در توانایی جوامع توسعه یافته در استقرار ساختارهای نهادی بستر ساز و ناتوانی دیگر جوامع در نهادسازی متناسب برای حقوق مالکیت، بنگاه های صنعتی، نظام های ثبت اسناد و دارایی ها بر می شمارد. به اعتقاد وی کشورها توسعه نیافته اند، زیرا قادر نبوده اند نهادهای کارآمدی را تدارک بینند که حقوق مایملک افراد را بطور مناسبی ثبت نماید و اطمینان دهد که این دارایی ها به خوبی قابل مبادله اند. همچنین در این جوامع، ناکارآمدی نهادی استفاده از ظرفیت های نمادین دارایی ها برای وثیقه گذاری و نیز تبدیل دارایی به عنوان سهم در برابر سرمایه گذاری را پشتیبانی نمی کند. در مقابل، در جوامع توسعه یافته، هر دارایی، از جمله هر قطعه زمین، ساختمان، هر قطعه از تجهیزات یا ذخیره موجودی انبار، یک سند مالکیت دارد که علامت آشکار یک فرایند گسترده پنهانی است که تمامی دارایی ها را به بقیه اقتصاد ارتباط می دهد. به جهت استقرار این الگو از فرایند نمادین

¹ De Soto

کنترل فساد آشکار می شود. گذار از این وضعیت مستلزم ورود به فرایند تخریب خلاق؛ و ایجاد نهادهای غیر شخصی و فراگیر است که بتوانند از مرحله جدید پشتیبانی کنند. (نورث و وینگاست^۱، ۱۳۹۶)

جوزف شومپیتر که اصطلاح «تخریب خلاق» را وارد ادبیات اقتصادی نمود، آن را اصل اساسی سرمایه داری تعبیر می کند؛ که سرمایه داری در آن خلاصه می شود و هر شرکت سرمایه دار پایدار به آن است. فرایند تخریب خلاق ساختمان اقتصاد را از داخل می سازد و پیوسته کهنه را از میان بر می دارد و نو را می آفریند. (شومپیتر^۲، ۱۳۵۴) این فرایند زمینه های گذار از نهادهای غیر رسمی سنتی و سازوکارهای اعتقادی، اخلاقی و هنجاری رایج به نهادهای رسمی جدید، غیر شخصی و برخوردار از تعهدات لازم را ممکن می سازد. بدیهی است که جوامعی که این روند را بخوبی طی نکنند قادر به گذار به توسعه نخواهند بود. در عین حال فرایند نوآوری در بستر اجتماعی برخوردار از سطح مناسبی از اعتماد رخ می دهد. این امر در پیمایش های جدید نیز به تأیید رسیده است. چنان که باقری نژاد و جاوید در پژوهش خود در خصوص عوامل مؤثر بر شکل گیری نوآوری در صنعت بانکداری در ایران نشان داده اند که اعتماد بصورت یک متغیر مستقل در خصوص شکل گیری نوآوری عمل می کند. (باقری نژاد و جاوید، ۱۳۹۳)

از نظر لوسین پای، مسایل توسعه و نوسازی، در نیاز به آفرینش سازمان های کارآمد، انطباق پذیرتر، پیچیده تر و معقول تر ریشه دارند. آزمون نهایی توسعه، همان توانایی مردم یک کشور در بر پایی و نگهداری صورت های سازمانی بزرگ، پیچیده و نیز انعطاف پذیر است. (هانتینگتون، ۱۳۸۶) هانتینگتون سطح رشد یک جامعه را بیش از هر چیز وابسته به این امر می داند که فعالان سیاسی آن جامعه تا چه اندازه به نهادهای گوناگون تعلق دارند و چقدر با این نهادها احساس همبستگی می کنند. این وضعیت در باره تمام ابعاد توسعه و از جمله در مورد سطح رشد اقتصادی نیز قابل بیان است. در واقع سطح رشد فعالیت های بخش های اقتصادی جامعه، به صورت های مستقیم و یا غیر مستقیم

در محیط مطمئن و کم هزینه ممکن می سازد. این فضای مشارکتی بستر رشد شاخص های توسعه را فراهم می کند. وقتی مسیر رفت را در هر مرحله بازبینی می کنید متوجه می شوید که این رابطه برخوردار از یک ضریب همبستگی مثبت است، به نحوی که فهمیده می شود که آن چنان که شدت افزایش و کاهش سطح سرمایه اجتماعی بر شکل گیری و میزان کارآمدی نهادی اثر می گذارد، از این طریق با کاهش هزینه های مبادله اثر خود را بر ارتقاء شاخص های توسعه می گذارد؛ در عین حال می بینید که بهبود نشانگرها و شاخص های توسعه موجب افزایش کارآمدی نهادی و از این طریق کاهش هزینه ها می شود؛ بازتاب این وضعیت در اعتماد افراد جامعه به همدیگر و افزایش شاخص های اطمینان بخش، بهبود سطح سرمایه اجتماعی و نهادی و افزایش مشارکت، تسهیل مبادلات و شتاب بیشتر یافتن روندهای توسعه و بهبود روزافزون شاخص ها است.

این که چگونه جوامعی قادر هستند نهادهای با کیفیت و کارآمد استقرار بخشند و یا نهادهای ناکارآمد، به تجربه تاریخی آن جوامع و مختصات جغرافیایی و نحوه شکل گیری آن دولت - ملت بستگی دارد. این ها همان ویژگی های سرمایه اجتماعی و نهادی ملی هستند. هر جامعه با جهت گیری های خاص ممکن است شرایط خاص نهادی را پدید آورند، که تسهیل کننده و یا بازدارنده تولید سرمایه اجتماعی باشد و نیز طراحی شرایط ساختاری و نهادی معین می تواند، سبب پدید آمدن افرادی با سرمایه اجتماعی کم یا زیاد شوند. (روئستاین، ۱۳۹۳) به عنوان مثال افزایش مشارکت، گر چه به سطح متناسبی از سرمایه اجتماعی نیاز دارد، بی درنگ خود موجب افزایش مضاعف سرمایه اجتماعی می شود. این قاعده ای است که به تمام انواع سرمایه گذاری قابل اطلاق است.

ساختارهای سنتی، مبتنی بر روابط شخصی و نظام های اعتقادی و هنجاری، خود سطحی از سرمایه اجتماعی را ایجاد می کنند که در صورت محدود و با کارآمدی ناچیز از نظام مبادلاتی پشتیبانی و آن را تسهیل می کند. با گسترش مبادلات و افزایش عاملانی که با شتاب در پی بیشینه سازی سود خویش هستند؛ ناکارآمدی این نظام های هنجاری، با توجه به افزایش هزینه ها و ریسک دادوستدها و ناتوانی در

¹ Douglass North & Barry R. Weingast

² Joseph Schumpeter

اعتماد افزایشی و اطمینان بخشی به مبادله کنندگان در خصوص هزینه های ورود به دادوستد پدید آمده اند. (گروینوگن، ۱۳۹۱) بنابر این مبادله کنندگان در انبوهی از رفتارها، مناسبات و نظام های ساختاری پیچیده در محیط نهادی کنشگری می کنند.

دوسوتو پیدایش تحولات و تحقق توسعه مبتنی بر سرمایه داری را محصول فرایندهای نهادسازی طولانی در غرب می داند. وی در این خصوص بر اهمیت نهادها و سازوکارهای مالکیت رسمی و نقش آن در تشکیل سرمایه اشاره می کند و توضیح می دهد که چگونه سیستم مالکیت رسمی، بصورت پنهانی، از میان هزاران مورد قانون گذاری، مقررات و نهادهایی که نظام را کنترل می کنند؛ و از طریق خارج شدن از نظام می توان اهمیت این نهادها را درک کرد. (دوسوتو، ۱۳۸۵)

بدون نهاد و نظام مالکیت رسمی یکپارچه، اقتصاد بازاری کنونی، غیرقابل تصور است. در واقع اگر کشورهای توسعه یافته کنونی تمامی نهادها را در داخل نظام مالکیت استاندارد سازماندهی نمی کردند، نیروی عظیم انسانی تخصصی موجود و نیز شبکه بسیار بزرگ توسعه یافته سرمایه کنونی در این جوامع پدید نمی آمد. (دوسوتو، ۱۳۸۵)

دارون عجم اوغلو و جیمز رابینسون در چارچوب همین سنت نهادگرایی، محور نظریه خود را پیوند میان نهادهای اقتصادی و سیاسی فراگیر و موفقیت اقتصادی قرار داده اند. نهادهای اقتصادی فراگیر که حقوق مالکیت را تقویت می کنند، یک زمین بازی تراز بوجود می آورند که ضمانت کننده و مشوق سرمایه گذاری در فناوری ها و مهارت های نو خواهد بود. شکل متفاوت نهادهای غیر فراگیر و استثماری، که برای استخراج منابع از اکثریت جامعه و حمایت و حفاظت از حقوق مالکیت، به نفع اقلیت حاکم ساختار یافته اند قادر به ایجاد انگیزه برای فعالیت اقتصادی و اجتماعی نیستند. (عجم اوغلو و رابینسون؛ ۱۳۹۵)

کاستلز تأکید می کند که بدون تمهیدات سازمانی، نه تحول تکنولوژیک و سیاست های دولت و نه راهبردهای شرکتها، هیچ یک قادر نخواهند بود در یک سیستم نوین اقتصادی

به میزان همبستگی و تعلقات فعالان اقتصادی هر جامعه به نهادهای اقتصادی، بستگی دارد. به تعبیر هانتینگتون در یک جامعه پیچیده و وسعت یافته، حکمرانی و رسیدگی به امور جامعه، میسر نمی شود مگر آن که نهادهای لازم پدید آیند که مستقل از نیروهای اجتماعی بتوانند ادامه حیات دهند. (هانتینگتون، ۱۳۸۶)

یکی از مهمترین شوون مبادلات اجتماعی، موضوع انواع سرمایه گذاری، از جمله سرمایه گذاری اقتصادی است. سرمایه گذاری، یکی از انواع مبادلات است که مستلزم داشتن دید درازمدت در خصوص اطمینان خاطر از شرایط اقدام است. انجام سرمایه گذاری ممکن است صرفاً مبتنی بر اعتماد و اطمینان از شرایط و یا ترکیبی از همه چیز، از جمله برنامه موجّه برای کسب و کار باشد. در این خصوص ممکن است افراد پس اندازهای خود را در کاری مشترک وارد کنند و به سهام دار تبدیل شوند، یا با دادن وام، پول خود را در آن طرح به کار اندازند. وقتی قرار است کسب و کاری شکل بگیرد، پیشنیاز آن است که ذینفعان متقاعد به امن بودن همه چیز شوند. ترفندها و تضامین گوناگونی برای اطمینان بخشی و جلب اعتماد بستانکاران و مشتریان در هر نظام مبادلاتی شکل گرفته و تجربه شده است. تضامین ممکن است عمومی و یا خصوصی باشد. تعهدات، وثایق گوناگون و تمهیداتی نظیر ضمانت هایی که از جانب دستگاه های رسمی عمومی حمایت می شوند؛ یا روش های کاملاً متفاوت دیگر برای تحریک صاحبان کسب و کار به رعایت صداقت، وجود انجمن های حمایت از مصرف کنندگان، یا تولید کنندگان است که مردم را از کسب و کارهای سالم و ناسالم آگاه می کنند؛ و همچنین نظام های حقوق قراردادهای و سازمان های قضایی، که این تضامین را مورد حمایت قرار می دهند.

با این وجود این امکان وجود دارد که پیچیدگی های مختلفی در راه مبادلات پدید آید. مثل این که مشتریان تنها پس از خرید کالا به کیفیت نامرغوب کالا پی ببرند و موارد مشابه، که در این خصوص نیز سازوکارهای تضمینی دیگری شکل گرفته است که حقوق مصرف کنندگان را تأمین و اعتماد ایشان را فراهم سازد. سازوکارهای نهادی چون بَرند و نظام های حقوق تولیدکنندگان و مصرف کنندگان، برای

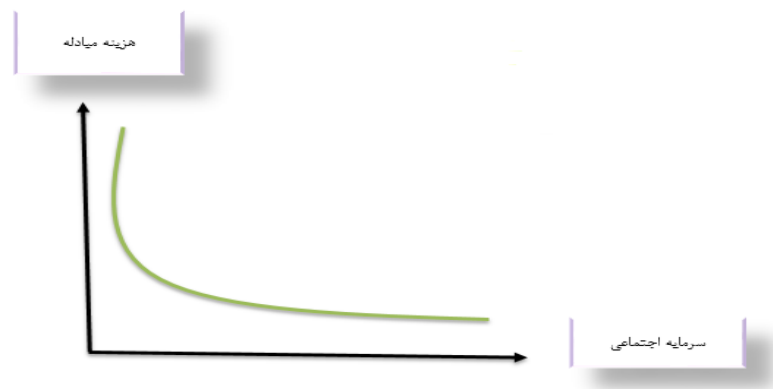
¹ Daron Acemoglu & James Robinson

اینصورت علی‌رغم وجود عناصر فرهنگی، قادر به بسترسازی توسعه نیستند. بنابراین برخورداری از سنت‌های فرهنگی و نظام‌های هنجاری کافی نیست و ملت‌های باستانی نظیر ایران، هندوستان، مصر یا یونان در گروه کشورهای توسعه یافته قرار نگرفته‌اند.

به عنوان مثال، این نهادها می‌بایست نظام‌های انگیزشی کارآمدی را ایجاد کنند که در آن مخاطرات و هزینه‌های تزییع حقوق دیگران و بی‌نظمی در سیستم، بیش از بهره‌های بالقوه آن ارزیابی شود و بنابر این کنش‌گران درستکار با اعتماد وارد فضای مبادله شوند. (روستاین، ۱۳۹۳)

گرد هم آیند. وی بر این باور است که اساساً فرهنگ‌ها خود را از طریق جای‌گیری در نهادها و سازمان‌ها جلوه‌گر می‌سازند و توضیح می‌دهد که منظور وی از نهادها، سازمان‌هایی است که از اقتدار لازم برای انجام برخی وظایف خاص به نمایندگی از کل جامعه برخوردارند. از نظر وی فرهنگی برای ایجاد توسعه یک نظام اقتصادی معین اهمیت دارد که قادر است خود را در منطق سازمانی متجلی سازد. (کاستلز^۱، ۱۳۸۹)

این بدین معناست که اساساً فرهنگ‌هایی قادر هستند ظرفیت‌هایی برای توسعه ارائه دهند، که بتوانند این قابلیت خود را در قالب نهادها و سازمان‌ها به ظهور برسانند. در غیر



شکل شماره ۵. رابطه سرمايه اجتماعي و هزينه مبادله (رنانی، مؤیدفر، ۱۳۹۰)

اجتماعی و سیاسی افراد اجتماع را بسترسازی و تسهیل می‌کند. اما چنانکه گفته شد، نهادها همزمان محدودیت آفرین و توانمندساز هستند. میزان توانایی که از حیث اطمینان‌بخشی، برای کنشگری فرد در محیط نهادی داده می‌شود، کارآیی و کارآمدی نهادی ارزیابی می‌کند. اقتصاد دانان نهادگرا به خوبی به اهمیت کارآمدی و

کارآمدی و ناکارآمدی نهادی موضوع بسیار با اهمیتی است که در ارتباط با عملکرد ساختارهای نهادی در خصوص ظرفیت‌سازی، ممانعت و یا بی‌خاصیتی این ساختارها در ارتباط با متغیر وابسته توسعه مورد تحلیل قرار می‌گیرد. قاعدتا در هر اجتماع بشری سطحی از کارکردهای نهادی وجود دارد که مبادلات اقتصادی،

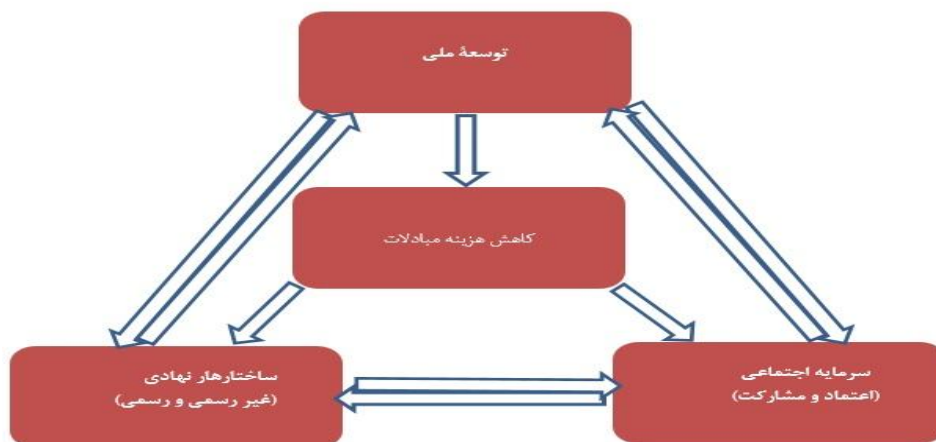
¹ Manuel Castells

گستره زمانی، مکانی و نیز تنوع و تعداد متغیرهای درگیر در ایفای کارکردهای آن نهاد است. این پیچیدگی تخصصی نهادی، متناسب با انتظارات، به کاربران این اطمینان را می دهد که با خیال آسوده تری وارد مبادله شوند. پیچیدگی فزاینده مناسبات جوامع، ناشی از گستردگی قلمرو، تنوع شدید و وسعت زمانی مبادلات ناشی از خلق نهادهایی با قدرت عملکرد و پوشش وسیع است و قاعدتاً تشدید این روند مستلزم ارتقاء فزاینده سطح کارآمدی نهادی است .

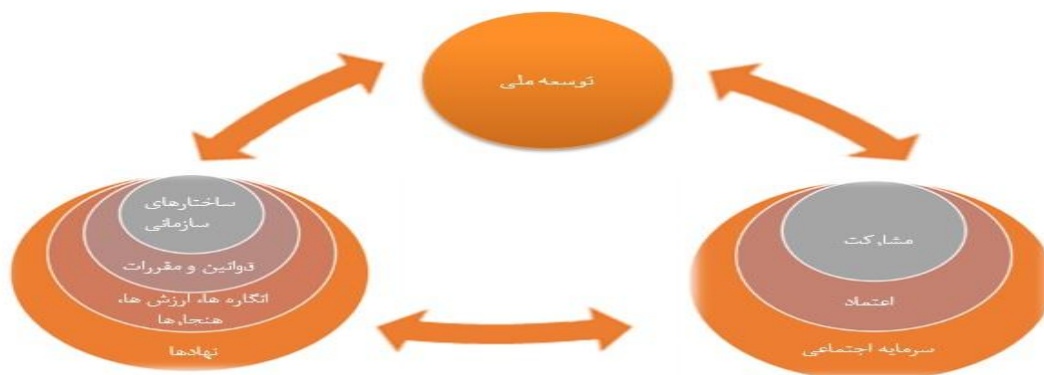
از این نظر نهادها به مثابه ماشین های اجتماعی عمل می کنند که متناسب کارکردهای مورد انتظار پیچیده تر می شود تا به ظرفیت های لازم برای پاسخگویی کارآمد دست یابند.

کارآیی نهادی واقف بودند. داگلاس نورث استمرار نهادهای ناکارآمد را نتیجه سیاست های اشتباه حکمرانان می داند. چنین نوع از نهادهای ناکارآمدی، از جمله در مورد نهادهای حقوق مالکیت، موجب بالا رفتن هزینه مبادله می شود. چنین وضعیتی ناشی از این امر است که حاکمان نهاد حقوق مالکیت و یا دیگر نهادها را متناسب با منافع خود طراحی می کنند. بنابراین این ممکن است اساساً حضور گسترده انواع حقوق مالکیت در طول تاریخ گذشته و یا اکنون، منجر به رشد اقتصادی نشود. (نورث، ۱۳۷۷) نهادهای اقتصادی فراگیر در ادبیات عجم اوغلو و رابینسون، نیز اشاره به ضرورت کارآمدی نهادی برای کاهش هزینه های مبادله و پیشبرد امر توسعه است. (عجم اوغلو و رابینسون؛ ۱۳۹۵)

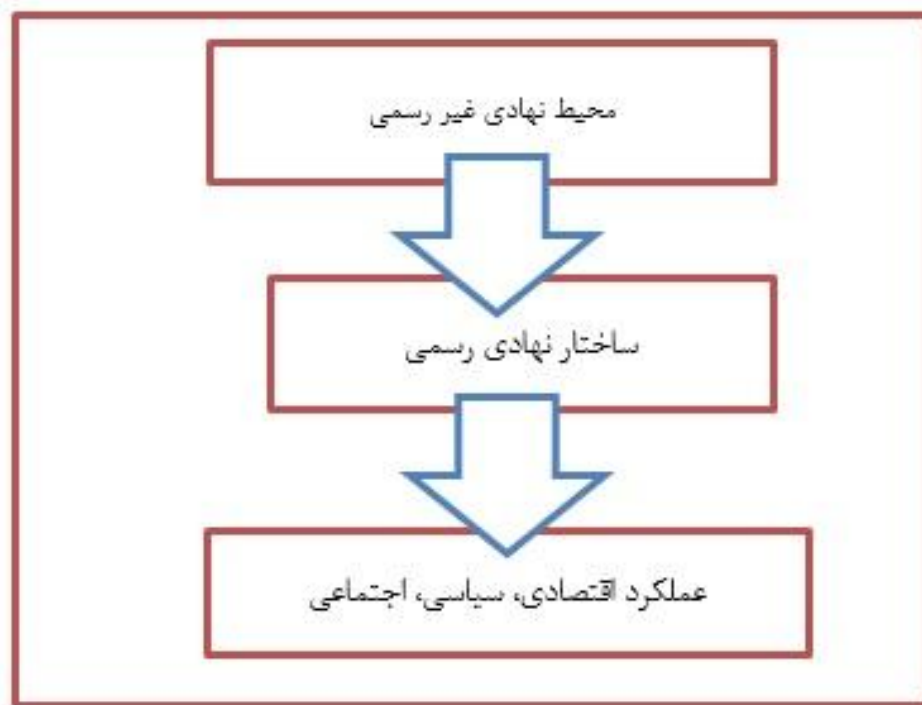
سادگی و یا پیچیدگی نهادی نشانگر قدرت عمل نهاد در



شکل شماره ۶. رابطه چهار متغیر سرمایه اجتماعی، کارآمدی نهادی، هزینه مبادله و شتاب توسعه



شکل شماره ۷. همبستگی مثبت سه متغیر سرمایه اجتماعی، کارآمدی نهادی و شتاب توسعه



شکل شماره ۸. تأثیر محیط نهادی بر عملکرد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی (گروینوگن، ۱۳۹۱)

بحث و نتیجه‌گیری

این که رمز و راز معمای توسعه جوامع شامل کدام ترکیب از کدام مفاهیم و با کدام برنامه از تقدم و یا تأخر تاریخی رخدادهاست موضوع بسیار با اهمیتی است که کل دانش های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را درگیر خود داشته است.

البته مثل هر گنجی و صندوق اسراری، هر جامعه شمارگان و کلیدهای رمز مخصوص به خود را داراست. به همین جهت است که تجربه و نقشه راه رفته هیچ کشوری، در کشور دیگر عمل نکرده است، مگر آن که با ترکیب مناسبی از شرایط آن سرزمین بومی شده باشد. در واقع هر جامعه، چنان که ساخته و پرداخته تجارب تاریخی مشخص خود است، فرمول و نقشه راه خود را نیز می‌طلبد. با این وجود این سخن بدین معنا نیست که جوامع انسانی کاملاً از همدیگر بیگانه اند. کلیدهای رمز در محدوده های مشخصی از ارقام، اندازه ها و مفاهیم شکل گرفته اند و در واقع اساس مشترکی دارند.

سرمایه اجتماعی و کارآمدی نهادی دو متغیر مؤثر در خصوص توسعه و یا توسعه نیافتگی جوامع به شمار می‌آیند. تشریح رابطه هر کدام از این متغیرها با متغیر دیگر و نیز با توسعه، به عنوان متغیر همبسته موضوع مرکزی این جستار بوده است.

بررسی ها نشان می‌دهد که استقرار نظم و ثبات اجتماعی و گریز از برگشت‌های توسعه، یا حاکم شدن جو بی‌ثباتی و سیل‌های ویرانگر تغییرات، تا حدود زیادی ریشه در طراحی نهادهای جامعه دارد. در این میان کارآمدی یا ناکارآمدی ساختار نهادی موجب تقویت و یا فروکش کردن امواج اعتماد و مشارکت در مسیر رفت و یا بازگشت به سمت توسعه گردد.

مسیرهای رفت و برگشت اثر توسعه، در هر مرحله بازبینی می‌کنید متوجه می‌شوید که این رابطه برخوردار از یک ضریب همبستگی مثبت است، به نحوی که فهمیده می‌شود که آنچنان که شدت افزایش و کاهش سطح سرمایه اجتماعی بر شکل‌گیری و میزان کارآمدی نهادی اثر می‌گذارد، از این طریق با کاهش هزینه های مبادله اثر خود را بر ارتقاء شاخص های توسعه می‌گذارد؛ در عین حال

می‌بینید که بهبود نشانگرها و شاخص های توسعه موجب افزایش کارآمدی نهادی و از این طریق کاهش هزینه ها می‌شود؛ بازتاب این وضعیت در اعتماد افراد جامعه به همدیگر و افزایش شاخص های اطمینان بخش، بهبود سطح سرمایه اجتماعی و نهادی و افزایش مشارکت، تسهیل مبادلات و شتاب بیشتر یافتن روندهای توسعه و بهبود روزافزون شاخص ها است.

سرمایه اجتماعی و نهادی در شمار عواملی هستند که در رویکردهای جدید به توسعه و هنگامی که نگرش اقتصادی صرف نتوانست از عهده حل مشکلات اجتماعی جوامع در حال توسعه برآید مورد توجه قرار گرفت. در رویکرد جدید، نگرش تقلیل‌گرا به توسعه و فرو کاستن آن به رشد اقتصادی جای خود را به نگاهی همه جانبه با در نظر گرفتن همه ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی داد سرمایه اجتماعی به عنوان نتیجه عمل جمعی و نحوه زیست افراد یک جامعه در همین فرایند وارد مطالعات توسعه شد.

تحقیقات متعدد نشان داده است که سرمایه اجتماعی و نهادی نقشی تعیین کننده در فرایند توسعه دارد و این پژوهش همبستگی مثبت و هم‌افزای سرمایه اجتماعی، کارآمدی نهادی و توسعه را تأیید می‌کند.

همبستگی سرمایه اجتماعی، کارآمدی نهادی و توسعه ملی را بصورت زیر می‌توان جمع‌بندی کرد:

۱) سرمایه اجتماعی را می‌توان محصول تجارب دوره های طولانی همزیستی و شکل‌گیری روابط مبتنی بر اعتماد در جامعه دانست و آنرا به مجموعه منابعی که در ذات روابط اجتماعی بوجود می‌آیند و زندگی اجتماعی را تسهیل می‌سازد، اطلاق کرد. فقدان سطح قابل قبولی از شاخص های سرمایه اجتماعی مانعی بزرگ بر سر تحقق توسعه و کلید فهم فرو ریختن آرزوهای خوشبینانه ایست که در آغاز اجرای برنامه های توسعه در جهان سوم موج می‌زد. به عبارت دیگر عدم اعتماد بین فردی و نهادی در بین مردم کشورهای درحال توسعه است که مانع از پیشرفت این جوامع می‌شود. کمبود و یا نبود عواملی همچون صداقت، همدلی، اعتماد، رعایت حقوق دیگران، باعث می‌گردد که اندکی از افراد جامعه حقوق بخش اعظمی از افراد همان

۶) میسر شدن توسعه در هریک از ساحت های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، مستلزم فعال شدن همه افراد و گروه های جامعه و قرار گرفتن همه نیروها در روند توسعه است. تحقق این امر نیز مستلزم به ظهور رسیدن روحیه مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی به شکلی مدرن و در قالب تشکل های غیر دولتی نظیر انجمن ها و گروه های صنفی، کانون ها، جمعیت ها، دسته ها و سازمان های مردم نهاد^۲ در لایه های مختلف جامعه است.

۷) بدون سرمایه اجتماعی، استفاده از دیگر سرمایه ها به طور بهینه انجام نخواهد شد. در جامعه ای که فاقد سرمایه اجتماعی کافی می باشد، سایر دارایی ها، از جمله دارایی های مادی و انسانی قابلیت به جریان افتادن و تبدیل شدن به سرمایه را نمی یابند.

۸) در هر جامعه ای که افراد آن جامعه به اشکال مختلف عضوی از گروه یا انجمن یا صنفی هستند، دارای اعتماد به نفس بیشتری می شوند و درصد اعتماد و مسئولیت شان نسبت به گروه و حتی بیرون گروه بسیار بیشتر می شود. کنترل اجتماعی آسان تر، حمایت خانوادگی، برقراری شبکه های فراخانوادگی، نظیر صندوق های قرض الحسنه؛ و ایجاد فرهنگ مدنی قوی از فواید و نتایج مثبت سرمایه اجتماعی و نهادی در مسیر توسعه جامعه است؛ و اگر توجه کنیم که در مسیر نوسازی فروپاشی هنجارها، همبستگی ها و نهادهای سنتی در غیاب شکل گیری سازوکارهای نهادینه شده مدرن منجر به چه آسیب های اجتماعی شود، آنگاه اهمیت سرمایه اجتماعی به عنوان محافظی قدرتمند در مقابل این آسیب ها بیشتر نمایان می شود.

۹) ویژگی های توسعه ملی هر کشور، همبستگی مثبتی با خصوصیات سرمایه اجتماعی و نهادی آن جامعه دارد.

۱۰) امواج توسعه ملی از بستر ساخت و سرمایه اجتماعی هر کشور بر می خیزد، سپس در ساختارهای نهادی غیر رسمی و رسمی شکل بندی و انسجام می یابد و پس از به ظهور رسیدن در شاخص های توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، مجددا اثر خود را در افزایش و یا کاهش شتاب ارتقاء سطح سرمایه اجتماعی و نهادی نشان می دهد. چنین

جامعه را در جهت منافع شخصی خود نادیده گرفته و یا پایمال نمایند. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳)

۲) در جامعه ای که الگوهای رفتار جمعی بر اهمیت مشارکت، همکاری، اعتماد و روابط جمعی تاکید کند. شیوه زیست جمعی مردم نیز بدان سو سوق پیدا می کند و در نتیجه امکان شکل گیری شبکه های مشارکت مدنی بروز پیدا می کند و به تعبیر پاتنام فرهنگ مدنی یا سنت های مدنی پایدار می شوند. در یک فرهنگ مدنی فرد تنها به فکر خود و منافع کوتاه مدت خود نیست بلکه بر اساس الگوی انتخاب عقلانی^۱ نفع شخصی اش را در همکاری با دیگران و عمل جمعی میداند. پاتنام به درستی استدلال می کند که عملکرد یک نهاد به ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محیط آن بستگی دارد. در جامعه ای که سبک زندگی آن مبتنی بر همکاری جمعی و مشارکت باشد امکان شکل گیری انجمن های مدنی فراهم می شود و پایه ایجاد سرمایه اجتماعی در همین انجمن های مدنی نهفته است. از لحاظ داخلی، انجمن ها، عادات همکاری، همبستگی و روحیه جمعی را در اعضایشان تلقین میکنند. بر اساس تحقیقات اعضای انجمن ها بلوغ سیاسی، اعتماد اجتماعی، مشارکت سیاسی و قابلیت های مدنی ذهنی بیشتری از خود نشان داده اند. (پاتنام: ۱۳۸۰)

۳) مهمترین کارکرد ساختارهای نهادی، اطمینان بخشی و اعتمادافزایی افزایشی میان ذینفعان و کنشگران توسعه، از طریق تسهیلگری و روانسازی مناسبات ذینفعان و کنشگران و در نتیجه کاهش هزینه مبادلات است. بنابر این افزایش و یا کاهش سطح سرمایه اجتماعی و نهادی، موجب تسهیل و یا دشوار شدگی مبادله است.

۴) سازمان های کارآمد کارآفرینی، نوآوری، ارتباط صنعت، دانشگاه و جامعه و نیز نهاد سیاستگذار و تنظیم گر دولت، سه ساختار نهادی مؤثر در تسهیل مناسبات برای تحقق فرآیند توسعه ملی محسوب می شوند.

۵) ضریب همبستگی مثبتی میان سرمایه اجتماعی، ظرفیت های نهاد، هزینه های مبادله و تحولات توسعه در جوامع وجود دارد.

² NGO

¹ rational choice

وضعیتی بیانگر رابطه هم افزا میان متغیرهای درگیر در این

پژوهش است.

منابع

- ۱) آزاد ارمکی، دکتر تقی (۱۳۸۶)؛ جامعه شناسی توسعه، اصول و نظریه ها، جلد اول، تهران: نشر علم.
- ۲) ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷). جامعه شناسی توسعه. تهران: موسسه نشر علم.
- ۳) ازکیا، مصطفی (۱۳۶۷). نظریه های توسعه نیافتگی. مندرج در نامه علوم اجتماعی، شماره ۱
- ۴) ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران. تهران: نشر نی.
- ۵) اکبری، امین (۱۳۸۳). نقش سرمایه ی اجتماعی در مشارکت : بررسی تاثیر سرمایه ی اجتماعی بر مشارکت سیاسی، اجتماعی (مطالعه موردی روستای فارسنج از توابع سقز)، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ۶) باقری نژادی، جعفر و جاوید، غزاله (۱۳۹۳). ارائه مدل نوآوری باز در صنعت بانکداری ایران؛ فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی، سال دوم، شماره پنجم، بهار و تابستان، صص ۲۱-۴۱
- ۷) بورديو پي ير (۱۳۸۰). نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه مرتضی مردیها. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- ۸) پاتنام ، روبرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت های مدنی. ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: نشر سلام.
- ۹) تاجبخش کیان، (۱۳۸۹). سرمایه های اجتماعی : اعتماد، دموکراسی و توسعه (مجموعه مقالات). ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان ، تهران : نشر شیرازه.
- ۱۰) تاج گردون، محمدقائم؛ منظوری شلمانی، محمد تقی و حبیبی، جعفر (۱۳۹۳). طراحی چارچوب مدل سازی جریان صنعت و دانشگاه؛ فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی، سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان، صص ۷۵-۹۰.
- ۱۱) تردی، گویر (۱۳۸۰). اعتماد اجتماعی و جوامع انسانی. ترجمه: اسماعیل بلالی، تهران: نمایه پژوهش.
- ۱۲) تودارو، مایکل (۱۳۶۶)؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم. ترجمه: غلامعلی فرجادی. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ۱۳) توسلی غلامعباس ، موسوی مرضیه (۱۳۸۴)؛ مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید، با تأکید بر نظریه های سرمایه اجتماعی. زمستان ، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶، صص ۱- ۳۲.
- ۱۴) توسلی، غلام عباس (۱۳۸۲). مشارکت در شرایط جامعه آنومیک. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۵) چپرا، م. ع. (۱۳۸۳). اسلام و توسعه اقتصادی. مترجم: محمدتقی نظریور و اسحاق علوی، انتشارات دانشگاه مفید، قم.
- ۱۶) دادلی، سیرز (۱۳۶۸)؛ پیشگامان توسعه. ترجمه: سید علی اصغر هدایتی و علی یاسری، انتشارات سمت.
- ۱۷) دوسوتو، هرنالدو (۱۳۸۵)؛ راز سرمایه. ترجمه: فریدون تفضلی، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- ۱۸) دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳). جایگاه هم افزایی فرهنگی در توسعه فرهنگی کشور. مجله مطالعات توسعه اجتماعی/ایران، سال ششم، شماره دوم، صص ۲۵-۴۴.
- ۱۹) رنانی، محسن و مؤیدفر، رزیتا (۱۳۹۰)؛ چرخه های افول اخلاق و اقتصاد، سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران. چاپ اول، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۲۰) روئستاین، بو (۱۳۹۳)؛ دام های اجتماعی و مسأله ی اعتماد. ترجمه: لادن رهبری، محمود شارع پور و سجاد فاضلی، تچاپ اول، تهران: نشر آگه.
- ۲۱) ریتزر، جرج (۱۳۸۶). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ۲۲) زتومکا، پیوتر (۱۳۸۶). اعتماد یک نظریه جامعه شناختی. ترجمه: فاطمه گلابی؛ تهران: چاپ افست اتحاد.
- ۲۳) سو، آلوین. ی. (۱۳۸۶). تغییر اجتماعی و توسعه؛ مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی. مترجم محمود حبیبی مظاهری، چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۴) سن، آمارتیا (۱۳۸۱). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه: حسین راغفر، نشر سحاب

۳۶) گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). *تجدد و تشخیص*. ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

۳۷) میردال، گونار (۱۳۶۶). *درام آسیایی*، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: امیرکبیر.

۳۸) نورث، داگلاس سسیل (۱۳۷۷). *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*. مترجم: محمدرضا معینی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.

۳۹) نورث، داگلاس؛ والیس، جان جوزف و وینگاست، باری آر (۱۳۹۶). *خشونت و نظم های اجتماعی؛ چارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت شده بشر*. مترجمین: جعفر خیرخواهان و رضا مجید زاده؛ تهران: انتشارات روزنه.

۴۰) هابز، توماس (۱۳۹۵)، لویاتان، مترجم: حسین بشیریه، چاپ دهم، تهران: نشر نی

۴۱) هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۶) *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ چهارم، تهران: نشر علم.

42) Putnam, r.d.(2000) *bowling alone: the collapse and revival of american community*, simon and schuster, new York

43) Portes, A. (1998), *Social capital: its origins and applications in modern sociology*, Annual Review of Sociology, vol.24, pp. 1-24

۲۵) شارع پور، محمود (۱۳۸۰). *فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن*. نامه انجمن جامعه شناسی. سال اول. شماره یک.

۲۶) شومپتر، جی. (۱۳۵۴). *کاپیتالیسم، سوسیالیسم و دموکراسی*. ترجمه: حسن منصور، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.

۲۷) عجم اوغلو، دارون و رابینسون، جیمز (۱۳۹۵). *چرا ملت ها شکست می خورند، ریشه های قدرت و ثروت*. مترجمان: محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی پور؛ چاپ ششم، تهران: نشر روزنه.

۲۸) فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). *پایان نظم*. ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان،

۲۹) فیلد، جان (۱۳۸۸) *سرمایه اجتماعی*. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: انتشارات کویر.

۳۰) قربانی، رسول و عظیمی، بشرا (۱۳۹۳). *بررسی تأثیر ساختار درآمدی شهرداری بر روند توسعه شهری با استفاده از تکنیک ضریب همبستگی و تحلیل عاملی*. مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری. شماره هجدهم، صص ۱۱۵-۱۳۲.

۳۱) قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۰). *اقتصاد رشد و توسعه*. جلد یکم، تهران: نشر نی.

۳۲) کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه ای)*؛ ترجمه: احمد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان؛ ویراستار علی پایا، چاپ ششم؛ تهران: انتشارات طرح نو.

۳۳) کامران، دکتر فریدون؛ کفاشی، دکتر مجید و اخترمحقق، مهدی (۱۳۸۹). *بررسی تاثیر مطبوعات بر وضعیت سرمایه اجتماعی جوانان شهر تهران - با تاکید بر اعتماد اجتماعی*؛

۳۴) کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

۳۵) گروینوگن، جان؛ اسپیتهوون، آنتون و ون دن برگ، آنت (۱۳۹۱). *مقدمه ای بر اقتصاد نهادگرا*. ترجمه: اصلا ن قودجانی، تهران: انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.